

لذت یادگیری

اشاره

مدرسه‌ای که در آن دانش‌آموزان بدون هیچ اجبار و با میل درونی و آگاهی از نتیجه تلاششان، در مسیر یادگیری و پرورش فضایل اخلاقی و تربیتی قدم برمی‌دارند، مدرسه ایده‌آلی است که شاید هر معلمی آرزوی آن را دارد و به همین سبب است که معلمان برای ایجاد انگیزه حرکت و آفرینش موقعیت‌های مناسب یاددهی - یادگیری از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کنند. بر این اساس، انگیزش دانش‌آموزان از جمله مؤلفه‌های کلیدی در آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود و خودانگیزی و ایجاد زمینه‌های پرورش میل درونی یادگیرندگان به حرکت در مسیر تکامل خود، جایگاه ارزنده‌ای دارد. نوشته پیش رو، به موضوع انگیزش، با نقدی بر آنچه در بسیاری از مدارس در حال اجرا و انجام است و نیز با نگاهی به سند برنامه درسی ملی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: انگیزش، یادگیری، لذت یادگیری

نقش داوطلبانه دانش‌آموز برای یادگیری

در «سند برنامه درسی ملی» اصولی به‌عنوان اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی معرفی شده‌اند که سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت برنامه‌های درسی و تربیتی را از سطح ملی تا سطح مدرسه شامل می‌شوند. در این بخش، اعتبار نقش یادگیرنده به این شکل تبیین شده است: برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه دانش‌آموز در فرایند یاددهی - یادگیری و تربیت‌پذیری توجه کند و زمینه تقویت و توسعه روحیه پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت و کارآفرینی را در وی فراهم سازد.

با نگاه به این اصل، پرسش‌های گوناگونی به ذهن متبادر می‌شوند که از آن جمله، شرایط و زمینه‌های ایجاد تمایل به ایفای نقش داوطلبانه و فعال توسط دانش‌آموز است. به سخن دیگر، چگونه می‌توان شرایطی را فراهم آورد که دانش‌آموزان با خواست و تمایل خود برای ایفای نقش یادگیرنده و تربیت‌پذیر در آموزش و پرورش آماده شوند؟

یکی از شروط مرتبط با نقش داوطلبانه، داشتن انگیزه درونی است. تأکید بر درونی بودن انگیزه، به نقطه مقابل آن و تأکید بر انگیزه‌های بیرونی اشاره دارد که می‌تواند به شرایط موجود در برخی از مدرسه‌ها و کلاس‌های

درس مربوط شود. در این مدرسه‌ها بیشتر تلاش می‌شود دانش‌آموز متأثر از دریافت پاداش‌های بیرونی، مانند تأیید گرفتن از اطرافیان، جایزه و کسب رتبه به کوشش واداشته شود. حال آنکه لذت‌های درونی و احساس رضایت از پیشرفت توسط خود دانش‌آموز برای توسعه خودانگیزی و خودمحرکی و کسب موفقیت از اهمیت بالایی برخوردار است.

اعطای جایزه‌های خطرآفرین

انگیزش به‌عنوان نیرویی ایجادکننده، نگه‌دارنده و هدایت‌کننده رفتار، نیرویی درونی و اساسی در انسان برای پیشرفت و حرکت است. این نیرو را می‌توان از منابع گوناگونی تأمین کرد. ممکن است معلمی برای بالابردن تلاش دانش‌آموزان خود به آن‌ها وعده برگزاری یک اردو بدهد یا معلم دیگری، با نشان دادن کمد جوایز، از دانش‌آموزان بخواهد، نظم کلاس را رعایت کنند تا بتوانند از آن کمد انتخاب‌هایی برای خود داشته باشند. هر چند نمی‌توانیم از میزان اثربخشی چنین فعالیت‌هایی برای ایجاد نیروی تحرک و توجه در یادگیرندگان چشم‌پوشی کنیم، اما تعیین پاداش برای انجام کاری توسط دانش‌آموزان، می‌تواند با مخاطراتی نیز همراه باشد. در کمترین حالت و در ساده‌ترین شکل آسیب‌زای آن

را در چند درس دیگر بالا ببرم. این اندیشه خوبی بود که با دیدن دوچرخه، کم‌رنگ و بی فروغ می‌شد؛ چون چند درس فایده‌ای نداشت. در ضمن، این تنها یک دوچرخه بود که فقط می‌توانست یک صاحب از بین ۴۰۰ دانش‌آموز مدرسه ما داشته باشد».

تجربه یاد شده ممکن است برای برخی معلمان آشنا باشد. بدیهی است هیچ‌یک از معلمان نمی‌خواهند اعطای پاداش، تنها در یک یا چند دانش‌آموز محدود به تولید انگیزه بینجامد و یا به مانعی برای تلاش بیشتر یا حس ناکامی در سایر دانش‌آموزان تبدیل شود. با تکیه بر همین اندیشه است که پاداش‌های بیرونی باید ضمن تناسب با سن و شرایط یادگیرندگان، برای هر دانش‌آموز امکان دریافت داشته باشند. به‌علاوه، شرایط دادن پاداش بیرونی باید به آهنگ رشد و روند یادگیری و توانایی او احترام بگذارد. این نکته بر رعایت تفاوت‌های فردی مبتنی است.

یادگیرندگان با وجود قرارگیری در یک کلاس درس، مشخصات یادگیری منحصر به خود را دارند و نمی‌توان انتظار داشت که در درس‌های گوناگون و فعالیت‌های متنوع، در یک قالب از پیش تعیین شده حرکت کنند و به نتیجه برسند. آنچه تأثیر پاداش‌های بیرونی را افزایش می‌دهد، توجه به تفاوت روند حرکت هر دانش‌آموز و نیز تقدیر از تلاش او برای آفرینندگی و حرکت است. در این نگاه، همه دانش‌آموزان شایسته تقدیر هستند و این تقدیر به تلاش و امید آن‌ها برای تغییر و بهبود وضعیت موجود و یادگیری بیشتر تعلق می‌گیرد.

وقتی پاداشی در کار نیست

از دیگر آسیب‌های پاداش‌ها و تقدیرهایی که از آن‌ها به‌عنوان انگیزه‌های بیرونی یاد می‌کنیم، وجود انرژی ناشی از پاداش تا زمان حضور منبع انرژی یا انگیزه است. به دیگر سخن، هنگامی که فعالیت دانش‌آموزان به دریافت جایزه منوط است، او تا زمان احساس نزدیکی با آن منبع به تلاش خود ادامه می‌دهد و با قطع شدن ارتباط با معلم یا هر منبع دیگری که انگیزه‌های بیرونی را در وی ایجاد می‌کرد، میل به انجام فعالیت و به‌ویژه میل به یادگیری کاهش می‌یابد.

برای ماندگاری نیرو و انرژی حرکت و ایجاد شرایطی که دانش‌آموز نه برای دریافت جایزه، بلکه بنا بر دریافت لذت درونی حاصل از موفقیت خود اقدام به تلاش کند، نیازمند انگیزش درونی هستیم. یکی از مثال‌های روشن در این باره، اشاره به کودکی است که مدتی طولانی



می‌توان به شرایطی اشاره کرد که در آن، تعداد معین و محدودی از جوایز برای دانش‌آموزان تهیه و در عین حال برای دریافت آن، شرایطی معرفی می‌شود که عده‌ای از همان ابتدا آن پاداش را برای خود دست‌نیافتنی می‌بینند. این بخش از مخاطبان از همان ابتدا برای به‌کارگیری کوشش و تلاش بیشتر درمی‌مانند. به تجربه زیر از یک دانش‌آموز توجه کنید:

«در مدرسه ما خیر جایزه دوچرخه بین دانش‌آموزان غوغا به‌پا کرده بود. یک دوچرخه کروز را درست در سالن ورودی در جای بلندی قرار داده بودند و کنار آن برگه‌ای نصب شده بود که در آن شرایط فردی که این دوچرخه به او پاداش داده می‌شد، نوشته شده بود. امتحانات پایان سال نزدیک بود و نوشته‌های کنار آن جایزه دوست‌داشتنی می‌گفت، این دوچرخه متعلق به دانش‌آموزی است که بتواند تمام نمرات پایانی را بیست بگیرد. هنوز یک ماهی تا امتحانات وقت داشتیم و به‌نظر می‌آمد می‌توانیم وضعیت درسی خود را بهبود دهیم. با این همه تنها یک معجزه می‌توانست به من کمک کند که در همه درس‌ها نمره کامل بگیرم. درس‌هایی بودند که هرگز نتوانسته بودم با آن‌ها ارتباط خوبی برقرار کنم. درس‌هایی هم بودند که از سال‌های قبل در آن‌ها مشکل داشتم و هیچ‌وقت رفع نشده بود و... اما می‌توانستم آمادگی خود

تأیید کلامی و
جایزه از جمله
راه‌های ایجاد
انگیزش بیرونی
هستند که اتکای
صرف به آن‌ها در
مسیر یادگیری
آسیب‌زا خواهد
بود

تا زمانی که معلم
از انگیزه لازم
برای بهره‌گیری
درست از نقش
حرفه‌ای خود
و ایفای وظایف
معلمی مورد انتظار
از او برخوردار
نباشد، هر تلاشی
برای داشتن
دانش‌آموزانی
با انگیزه بی‌نتیجه
خواهد ماند

سرگرم شدن بازی است. او در تمام مدت از این کار خود لذت می‌برد و نیازی نیست تا بزرگسالان او را به انجام آن تشویق کنند یا برای این موضوع به او جایزه‌ای بدهند. مهم این است که شرایط لازم و مورد نیاز برای انجام فعالیتی متناسب با سن و علاقه وی ایجاد شده باشد و با نظارت و هدایت حرفه‌ای، او از انجام کاری لذت ببرد. این مقوله دقیقاً با یادگیری نیز نسبتی مستقیم دارد. انسان به‌طور ذاتی از یادگیری لذت می‌برد و همین لذت است که موجب تولید و نوآوری‌های گوناگون توسط انسان شده است.

لذت یادگیری ناشی از انگیزه درونی

یادگیری لذتی درونی دارد و به‌همین سبب نمی‌تواند کاری تحمیلی باشد. هنگامی که در فرایند یاددهی - یادگیری، معلم یا راهنما تلاش می‌کند تا حصول یادگیری دانش‌آموزان را با کنترل منابع خارجی و بیرونی میسر کند، در واقع او دانش‌آموزان را به عواملی مانند تأیید خود، دریافت جایزه، تأیید اطرافیان، کسب رتبه مانند شاگرد اول شدن و ... وابسته می‌کند. با قطع شدن این عوامل، دلیلی برای رشد و پرورش خود و تلاش برای یادگیری بیشتر برای دانش‌آموز باقی نمی‌ماند یا به حداقل می‌رسد. نکته قابل تأمل این است که تأثیرگذاری و مفیدبودن بهره‌گیری از منابع بیرونی برای ایجاد انگیزش یادگیری با توجه به سطوح سنی یادگیرندگان متفاوت است. از سوی دیگر، تأکید صرف معلمان بر استفاده از منابع انگیزش بیرونی و تمایل والدین به این تأکید، موجب می‌شود احساس مسئولیت درونی فرد نسبت به کسب موفقیت و تلاش برای ساختن آینده خود، کم‌رنگ شود و در نتیجه، افراد همواره تنها با انتظار دریافت پاداش دست به تلاش و حرکت بزنند.

این در حالی است که لذت یادگیری با انگیزش درونی پیوندی عمیق دارد و میل به یادگرفتن و تمایل به درک و شناخت خود و دیگران از جمله نیازهای روان‌زادی انسان برای پیشرفت و تعالی خویش است. به این ترتیب، برای داشتن دانش‌آموزانی که داوطلب طی مسیر شکوفایی خویش هستند، توسل و اعتنا به انگیزه‌های درونی مؤثر خواهد بود و به نتیجه خواهد رسید.

حرفه‌مندی معلم

از جمله شرایط لازم به‌منظور ایجاد محیطی پرانگیزه برای یادگیری، حضور و برخورداری یادگیرندگان از معلمی حرفه‌ای است. در حرفه‌ای بودن معلم، مؤلفه‌های

گوناگونی دخیل هستند که شاید آشناترین آن‌ها تسلط وی بر شیوه‌های متنوع و نوین تدریس است. هرچند این مهم قطعاً در ایجاد انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان تأثیرگذار است و می‌تواند موجب صرف‌علاقه و توجه بیشتر دانش‌آموز به یادگیری شود، اما در این بخش، تسلط معلم به فنون تدریس نیز اهمیت بالایی دارد. بهره‌گیری از تکالیف متنوع، متناسب با علاقه، توانایی و سن دانش‌آموزان، به‌کارگیری شیوه‌های چالش‌برانگیز در آغاز هر درس، به‌کارگیری تمرین‌های متفاوت و متناسب با تفاوت دانش‌آموزان با یکدیگر، بهره‌گیری از کارهای تیمی و گروهی، استفاده از شیوه‌های تشویقی شوق‌برانگیز و نیز شیوه‌های تنبیهی آگاه‌کننده و رشددهنده برای یادگیرندگان و مواردی از این دست، از جمله فنونی هستند که مستقیماً در افزایش انگیزه درونی دانش‌آموزان برای یادگیری و لذت بردن از یادگیری تأثیرگذارند.

خلاصه کلام

از جمله موارد بدیهی در مسیر یادگیری ماندگار، نقش میل درونی یادگیرنده برای یادگیری است که می‌تواند توسط معلم دستخوش تغییراتی شود. برای حصول چنین مقصودی، در گام اول، افزایش آگاهی معلم از فایده‌ها و ضرورت لذت یادگیری و انگیزش‌های درونی به نسبت اجبار و یا انگیزش‌های بیرونی است. این آگاهی نیز زمانی سودمند است که نقش حرفه‌ای معلم به کمک آید و در فعالیت‌ها و نوع ارتباط معلم و دانش‌آموز، مسیر یادگیری بر مبنای لذت درونی ناشی از یادگرفتن شکل بگیرد. با این همه، بدیهی است تا زمانی که معلم از انگیزه لازم برای بهره‌گیری درست از نقش حرفه‌ای خود و ایفای وظایف معلمی مورد انتظار از او برخوردار نباشد، هر تلاشی برای داشتن دانش‌آموزانی با انگیزه بی‌نتیجه خواهد ماند. معلمی که خود به‌دنبال مطالعه و یادگیری است، می‌تواند انتظار داشته باشد دانش‌آموزانش نیز با میل خود، مطالعه و یادگرفتن را تجربه و دنبال کنند. به‌دیگر سخن، بسیاری از توصیه‌ها و توقعات بزرگسالان از کودک و نوجوان زمانی تأثیرگذار است که الگوی عملی از آن در مقابل دیدگان آن‌ها قرار گرفته باشد

در این معنی سخن باید که جز سعدی نیاراید
که هرچ از جان برون آید نشیند لاجرم بر دل